بسمه تعالی

شماره آرشیو: 1294

شب 14 خرداد شب رحلت قائد عظیم الشأن انقلاب رضوان الله تعالی علیه هدیه به روح اون بزرگوار سوره ی فاتحه با 3 صلوات تلاوت بفرمایید.

راجع به مسئله ی دستگردان دیشب عرض شد که در مورد خمس چون به عین مال تعلق می گیرد اون تصرف درش جایز نیست تا اخراج کند مگر دستگردان کند عرض شد که دستگردان خاصیتش همینه که اون مال مخمس حساب می شود تصرفش درش جایز می شود فقط مقروض می شود به فقیه یا وکیل فقیه و اگر کسانی حالا هستند که دستگردان می کنند و مقروض می شوند و بعد نمی دهند آنچه را که مقروض هستند خب اینها اگر از اول قصدشان این بوده چون ممکنه بعضی پیدا بشوند از اول قصدش این بوده که ظاهرا یک دستگردانی بکند و به قول خودش کارش را آسان کند حل کند و بعد دیگه ندهد اگر از اول قصد این بوده مال هنوز تخمیس نشده هنوز هم تصرفش درش جایز نیست به صرف اینکه حالا ظاهرا دستگردان کرده و نیتش این بوده که نپردازد این دستگردان موثر نیست.یعنی اون مال هنوز مخمس نشده و تصرفش در او جایز نیست.بله اگر از اول قصد او بوده که بده نه اینکه نمی خواسته بده.قصدش این بوده که مقروض بشود و بعد هم تدریجا ادا کند قرضش را.اگر این بوده بعدا مثلا یک موانعی پیش آمده یا انصرافی پیش آمده و نداده خب این مالش مخمس شده تصرف هم جایز هست ولی خب بدهکار هست دیگه هر وقت که متمکن شد باید بپردازد ولی اگر از اول قصد ندادن داشته این تخمیس نشده این دستگردان تاثیر تخمیسی ندارد.اگر به قصد دادن بوده بله و چون عرض شد که به عین مال تعلق می گیرد بنابراین مثلا اطفال نابالغ اگر اموالی دارند مثل اینکه حالا شاگرد بوده در مغازه و اینها خب پولی جمع کرده نابالغه سال برش گذشته خب این پول خمس بهش تعلق گرفته ولو ملک بچه ی نابالغه منتهی خودش مکلف نیست که اداء خمس کند چون بالغ نیست ولی بر ولی اش لازمه.بر ولی اش لازمه که از خود اون پول اخراج خمس کند نه اینکه از خودش بده چون دیگری از مال خودش برای دیگری خمس بده که ذمه او بَری نمیشه چون به عین مال تعلق گرفته به همان مالی که مال بچه است به او تعلق گرفته.پدر بخواد از جیب خودش بدهد که اون حساب نمی شود که هنوز اون مال تخمیس نشده اون خود مال باید مخمس بشود به مال تعلق می گیرد ولذا دیگری بخواهد بدهد که هنوز اون مال تخمیس نشده است از اون مال باید اخراج کندبر ولی طفل لازمه که از همان مال طفل مثلا صد تومان پول دارد بیست تومانش را از خود اون مال اخراج کند به عنوان خمس بده.حالا گاهی از اوقات پدر مثلا دلش میخواد از پول بچه کم نشود مثلا حالا صد تومان پول دارد میخواد بیست تومانش را بردارد کم می شود میخواد خودش بده از طرف بچه بخواد خودش بده از مال خودش نمی شود مگر اینکه بیست تومان به او ببخشه مثلاً تملیک کند به بچه اش.به شرط اینکه این بیست تومان هم مخمس شده باشد وگرنه این بیست تومان خمس نداده رو اون میاد دوباره باید 24 تومان خمس بده برای اینکه اول صد تومان بود بیست تومان بود حالا شد 120 تومان باید 24 تومان خمس بده مگر اینکه خودش قبلا اون پول از پول مخمس 20 تومان بده تملیک کند به اون بچه و بعد اون 20 تومان را بعنوان خمس اون صد تومان از مال بچه اخراج کند و تخمیس کند این راهش است و الا از جیب خودش بخواد بده هنوز مال بچه تخمیس نشده و اگر ولی این کار را نکرد اونوقت او بالغ شد بعد از بلوغ لازمه که اخراج خمس کند بله تا بالغ نشده بر ولی طفل لازمه و اگر ولی اخراج نکرده بعد از بلوغ او از مال خودش واجبه که اخراج کند.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ [....]

آیات شریفه ای که از سوره ی مبارکه ی حج ترجمه می شد آیات قبل، سخن از افرادی که مجادله می کنند به میان آمد درباره ی حقائق دینی درباره ی خدا و امور مربوط به خدا مجادله می کنند.آیات قبل راجع به آنها. حالا تناسب خب از جمله مطالبی که مجادله می کنند مردم کافر یکی مسئله ی بعث است و قیامت و حیات پس از مرگ راجع به اون می فرماید که اگر تردیدی شما دارید درباره ی بعث و حیات پس از مرگ خب دقت کنید در همین تطوراتی که خود شما تا­به­حال پیدا کرده­اید؛ از آن موقعی که نطفه بوده­اید و این تطورات و تحولات در شما بوجود آمده به این جا رسیده اید درش بیاندیشید خواهید دید که خود این مسئله همش حیات پس از مرگ است؛ هی میمیرید از مرتبه ای به مرحله ی بالاتر زنده می شوید به قول اون شاعر

از جمادی مردم و نامی شدم وز نما مردم به حیوان سر زدم

مردم از حیوانی و آدم شدم

خب این همان تطوراتی است که انسان دارد در این مراحل و از مرتبه ی نقص به کمال و می میرد و زنده می شود در مرحله ی بالاتر خب این صحنه را شما با چشم خود مشاهده می کنید اصلا در زندگی روزمره ی شما نمونه ی معاد به شما ارائه می شود.ما شما را از خاک خلق کرده ایم اِنّا خلقناکم من ترابٍ بله از خاک خلق کرده ایم.آیا همان خاک حضرت آدم مقصوده یعنی حضرت آدم را از خاک آفریده ایم و شماها خب همه سلالةٌ من طین و از نطفه اید یا نه به هر حال شما هم به خاک بر میگردید.خب بله ما هم به خاک بر می گردیم.حالا گذشته از اینکه پدربزرگ ما را از خاک آفریده اند خود ما هم چنینیم.مگر ما نطفه نبوده ایم اون مرحله ی اول؟مگر نطفه از خون والدین ما درست نشده؟مگر اون خون از مواد غذایی نبوده؟مگر مواد غذایی از زمین گرفته نشده؟خب مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ  ما بالاخره شما را از همان زمین خلق کرده ایم.شما هم بر میگردید به همان زمین شما نطفه اید و نطفه از خون و خون از مواد غذایی،مواد غذایی هم که از زمین گرفته می شود.پس شما را از خاک آفریده ایم مرحله ی بعدتان نطفه است ثم من نطفةٍ نطفه در قرآن ظاهرا آنطور که گفته اند 12 مورد اسم از نطفه در قرآن به میان آمده و از آیات الهیه به حساب آمده.آیت قدرت و حکمت پروردگار است که انسان دقت کند تمام این اعضاء و جوارحی که داریم ما در داخل و خارج با این تفاوتی که اعضاء با هم دارند گوشت، پوست، استخوانها، مراکز ادراک هوا،سلسله ی اعصاب عروق،پیچیدگی های دستگاه مغز،بینایی،شنوایی همه ی اینها از یک قطره آب ساخته شده.تمام اینها خب آب پوست بشود استخوان بشود سلول بشود اعصاب بشود عروق بشود بینایی بشود شنوایی بشود.همه ی اینها از قطره آبی و تازه اون قطره آب هم تماما مصرف نشده.توو اون قطره ی آب بنابر نقلی که از محققین فن نقل می کنند گفته اند در یک سانتی متر نطفه ی مرد 100 تا 200 میلیون جاندار ذره بینی شناور است.در همان یک قطره ی نطفه ی مرد 200 میلیون 100 میلیون جاندار ذره­بینی شناور است.یکی از آنها گرفته می شود مبدا و نشو و نمای انسان می شود و این هم با این عظمتی که بوجود آمده از داخل و خارج آنهم کجا ساخته شده؟در تاریک خانه ی رحم مادر نقاش ماهری دستش به کار افتاده چه نقش بدیعی روی آب آورده. "که کرده است در آب صورتگری؟" آخه نقش بر آب معلومه که محاله می گویند چنان چیز محاله می گویند نقش بر آبه خب روی خاک روی دیوار می شود نقاشی کرد.اما روی آب نقاشی کردن چشم کشیدن ابرو کشیدن و دست و پا و اعضاء و جوارح داخل و خارج؛ "دهد نطفه را صورتی چون پری؛ که کرده است در آب صورتگری؟" در تاریک خانه ی رحم نقاشی کرده اونهم با چه مقیاس دقیقی حساب شده چشم چه جور باشد ابرو چه جور باشد بینی چه جور باشد تا آنجایی که مژه ها کنار پلک ها باید باشد ناخن ها سر انگشت ها و خطوط ریز و باریک کف دست ها خیلی منظم.اینها آیا آیات قدرت و حکمت خدا نیست؟ فتبارک الله احسن الخالقین شما را از نطفه ساخته ایم.خاک بودید آوردیم نطفه کردیم و بعد هم علقه شدید و یک قطره خون بسته شدید و بعد هم مضغه شدید مانند گوشت جویده ای مخلقه و غیر مخلقه تام الخلقه حالا بر حسب شرایطی که خود می داند بعضی از اینها مخلقه می شوند تام الخلقه.پیکر تمام و بعضی غیر مخلقه می شوند که تام الخلقه نمی شوند.در همان حال سقط می کنند ناقص الخلقه سقط می کنند حالا روی شرایط مقتضی خودش هست مخلقه و غیر مخلقه لنبیّنَ لکم تمام اینها برای این بود که روشن کنیم برای شما قدرت لایتناهی را.اون قدرت می خواهد شما را پس از مرگ زنده کند همان قدرتی که الان شما را زنده کرده دیگه.مگه شما مرده نبودید کنتم امواتا فاحیاکم مگه شما الان حیات پس از مرگ ندارید؟اول مرده بودید قبلا دیگه قبلا مرده بودید حالا زنده اید. خب همان کسی که شما مرده ها را زنده کرده همان کس شما را می میراند دوباره زنده می کند.جلسه ای که امروز صبح داشتیم آنجا به تناسب باز هم آیاتی که مورد بحث بود راجع به همان مسئله ی قیامت و معاد بود آنجا عرض شد که اصل مسئله ی قیامت توجیه کننده ی خلقت حکیمانه ی عالم است که اگر واقعا قیامت و معاد نباشد خلقت عالم لغو است اصلا بیهوده است کودکانه حساب می شود.مانند این که بگیم جنین در رحم مادر تطورات را طی می کند تا به لحظه ی ولادت که رسید پوچ بشه اگر این جور باشد، دیگر دنیا نباشد دنبالش اگر دنیا نبود دنبال دوران جنینی حالا چقدر لغو بود خلاف حکمت بود معلوم می شود جنین خود را می سازد برای این دنیا اونجا خودش که مقصود اصیل نیست.رحم مادر که مقصود اصلی نیست آنجا ساخته می شود برای دنیا که اگر دنبال دوران جنینی دنیا نباشد که هیچی دیگه.از اول لغو است و پوچه.معلومه که در رحم مادر می سازند تا در دنیا زندگی کند.ما را هم در دنیا می سازند تا در آخرت زندگی کنیم.همان گونه ای که اگر دنبال دوران جنینی دنیا نبود لغو بود غیر حکیمانه بود اگر دنبال این دنیا هم که از شکم این مادر ما همه باید بیرون برویم اگر آخرتی نباشد اصلا این دنیا لغو است.خب یعنی چه این همه نظامات مُتقَن در عالم به وجود بیاید برای این انسان و این انسان همین قدر بخورد و بنوشد و بپوشد و با هم گلاویز بشوند و شکم هم را پاره کنند و بعد هم بمیرند و بگندند و هیچی دیگه از این لغوتر در عالم چیزی نمیشد.شما خود حاضر نیستید ساختمانی بسازید ویران کنید چطور به خدا نسبت می دهید که ساختمانی بسازد و ویران کند و دیگه دنبالش خبری نباشد نه این طور نیست أَفحسبتُم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون اگر بازگشتی به ما نبود که همه اش عبث بود و لغو بود نه لنبیّنَ لکم خواستیم با همین جریان روشن کنیم برای شما هدفی در کار است ما بازیگر که نیستیم ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما لاعبین من که بازیگر نیستم که عالم که بازیچه ی من نیست بادکنک نیست دست من که هی من بازی کنم با او گاهی بادکنم و گاهی لواشکش کنم بادکنک درست کردن و لواشک درست کردن کار درستیه که خدا این کار را بکند؟ این جور نیست لنبین لکم و نُقرُّ فی الارحام ما نشاء الی اجلٍ مُسَمّی بعد هم در رحم مادر اون گروهی را که مشیت تعلق گرفته روی حساب های دقیقی که دارد نگه می داریم بعضی از آنها را تا وقت ولادت بعضی هم سقط می شوند باز هم روی شرایطی که حالا وارد اون مطالب نیستیم روی شرایطی بعضی سقط می کنند و بعضی هم تا اجل مسمی در رحم مادر نگه می داریم "و نُقرُّ فی الارحام ما نشاء الی اجلٍ مُسَمّی" تا مدت معینی "ثم نُخرِجُکُم طفلا" بعد مرحله ی آخر شما را بصورت بچه ای از شکم مادر بیرون می فرستیم "ثم نُخرِجُکُم طفلا" کلمه ی طفل به اصطلاح اهل ادب این جا،جاش جمع بود باید اطفال باشد دیگه ولی چون طفل معنای مصدری حالا دارد یا جمع و مفرد درش یکسان است یا مقصود بیان جنس است ولذا طفل در اینجا معنای جمعی می دهد. داریم کلماتی در قرآن که به حسب ظاهر مفرده ولی در معنا جمع هست "كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا" اینجا کلمه ی جُنب به حسب ظاهر مفرده ولی معلومه شما اگر همه جُنب بشوید "فَاطَّهَّرُوا" دیگه و لذا جای جمع هست.اینجا هم به همین کیفیته.کلمه ی طفل معنای جمعی دارد ثم نُخرِجُکُم طفلا ثم لِتَبلغوا اَشُدَّکم بعد هم به دنیا که آوردیم مراحل تکامل باز هست.شما طی می کنید تا به سن جوانی می رسید لِتَبلغوا اَشُدَّکم به سن اَشُد برسید.اَشُد موقعی که دیگه جسما و عقلا به حد کمال رسیده گفتند 40 سالگی مثلا یا 33 سالگی یا 40 سالگی به هر حال به اون سن به سن شباب و رشد برسید "و منکم من یُتَوَفّی" خب در این بین ها بعضی هم می میرید در سن 30 سالگی 40 سالگی 50 سالگی "و منکم من یُرَدُّ الی اَرذَلِ العُمُر" بعضی­ها را نگه می داریم تا به اون مرحله ی نامطلوب ترین مراحل سن می رسند "اَرذَلِ العُمُر" نا مطلوب ترین و پست ترین مراحل عمر که آنجا جوری بشود که "لِکَیلا یعلم من بعد علمٍ شیئا" تمام اون دانستنی ها یادش می رود اصلا؛ این همه علم ها به دست آورده بود به اون سن که رسید فراموش می کند یک پرده ای گویی روی عقل و فکرش می افتد که دیگه هیچی یادش نیست "لِکَیلا یعلم من بعد علمٍ شیئا" بعضی به سنی برسند که اسم خودشان را هم فراموش کنند اسم بچه هایشان را فراموش کنند "لِکَیلا یعلم من بعد علمٍ شیئا" حالا اون سن اَرذَلِ العُمُر آیا گفته اند صد ساله است بعضی گفتند به این کیفیته.خب بعضی ها هستند نرسیده به صد سال هم به این وضع مبتلا می شوند.بعضی ها هستند نه از صد هم می گذرند باز هم خوبند یعنی اون ادراکاتشان مشاعرشان محفوظه.نوعا چنین است روی افراد نیست ممکنه در میان افراد بعضی باشند که در سن 70، 80 هم به این بلا مبتلا بشوند که همه چی یادشان برود.بعضی افراد هم پیدا می شوند مثلا علما و بزرگان چنین اند اینها سنشان هم بالا می رود نه کم دیده می شود در میانشان حالا به این مرحله برسد که یادشان برود مطالب علمیشان چون غالبا با مطالب علمی اشتغال دارند ملکات علمی اشتعال دارند محفوظ می ماند.کم پیدا میشه ولی به هر حال نوعا می رسند افراد به این کیفیت که "لِکَیلا یعلم من بعد علمٍ شیئا" خب تا اینجا تطوراتی که برای جنین هست خداوند نشان می دهد که از همین جا شما پی ببرید که شما هی حیات پس از مرگ داشته اید.بله تراب بودید و نطفه بودید و علقه بودید و حالا شما را میمیرانیم که بعد در سوره ی مومنون هم دنبالش هست "ثم انکم بعد ذلک لمیتون" بعد این مراحل شما را میمیرانیم "ثم انکم یوم القیامة تُبعثون" دوباره شما را برمی انگیزیم.به همین حال شما را نمی گذاریم.یک نمونه ای هم از زمین نشان می دهد "و تَری الارض هامِدَه" زمین را در زمستان می بینی که خشک است و خاموش و مرده است ولی باران بهاری که برش می بارد "فاذا انزلنا علیها الماء اهتزَّت" آب برش که ریخت به حرکت در می آید همین زمین مرده زنده می شود و رَبَت بالا می آید "و اَنبتت من کل زوجٍ بهیج" گیاهان سرور آفرین بهجت­زا از همین زمین مرده می روید.خب این هم یک نمونه

این بهار نو ز بعد برگ­ریز هست برهان بر وجود رستخیز

آتش و باد، ابر و آب و آفتاب می برآرند رازها را از تراب

در بهار آن رازها پیدا شود آنچه خوردست این زمین رسوا شود

حالا زمین در خودش خیلی چیزها دارد اما در زمستان مرده و خاموشه.وقتی فصل بهار که شد اونچه در دل دارد بیرون میریزه.انسانها هم چنین اند.ما الان در حالت زمستانی مان حالا بگیم در حال پاییزی هستیم داریم بذرافشانی می کنیم زمستان ما هم میرسد در برزخ خواهیم خاموش شد و هامد تا بعد برسیم به محشر که برمی خیزند.اونجا از هر جایی کسی سر در می آورد "وجوهٌ یومئذٍ ضاحکةٌ مستبشره" از اون طرف چهره هایی عبوس، قَمْطَریٖر بدبختی ها از قیافه اون ها می بارد "ذلک بأن الله هو الحق" خلاصه اینها را ما نشان می دهیم که بفهمیم خداوند حق است و خیرش هم حقه.کار باطل نمی کند.حتما هدفی در کار است.اگر داخل این جهان هدف هم شما نمی بینید مطمئن بشوید در خارج این جهان هدف باید داشته باشیم چون داخل این جهان اون وسعت را ندارد که اون هدف خلقت را نشان بده قهرا باید در خارج این عالم، عالم قیامت باشد. "و انّه یحیی الموتی" بدانید که خداست داره مرده ها را زنده می کند دیگه ببینید که زمین مرده را زنده می کند.ببینید که خاک را نطفه می کند نطفه علقه می کند در مقابل چشم خودتان هست که خودتان در داخل همین نظام بوجود آمده اید. و اَنّه علی کل شیءٍ قدیر او هم بر همه چیز توانایی دارد منتهی خب شما هم علمتان محدوده هم قدرتتان.مقایسه نکنید علم و قدرت او را با علم و قدرت خودتان.شما محدودید شما ناقصید ولی او بر همه چیز تواناست هم علمش محیط به ذرات وجود شما و ذرات اعمال شما و هم قدرت دارد در هر گوشه ی عالم که هست بیاورد. "و أَن الساعةُ آتیهٌ لا ریب فیها" مطمئن باشید قیامت آمدنی ست و هیچ شک و تردید درش نیست "و أَن الله یبعثُ من فی القبور" و حتما خداوند تمام خفتگان در دل خاک را خواهد زنده کرد.و خود همین جمله هم نشان دهنده ی معاد جسمانیه و عرض شده همیشه آیات قران کریم اگر 1200 آیه فرموده اند درباره ی معاد هست همه اش بر محور معاد جسمانی دور می زند.نشان میده "یبعثُ من فی القبور" اونی که از قبر برمی خیزد روح که نیست.اون که به قبر مربوط نیست.اونی که از قبر بر می خیزد بدنه.این بدن است که در دل خاک پوسیده ذراتش متلاشی شده از قبر بدن برمی خیزد. ولذا قرآن کریم نه ظاهر بلکه صریح در اینه نص در اینه که اونی که در قیامت خواهد آمد همین بدن خواهد آمد.یعنی روح متعلق به این بدن.نه روح مجرد از بدن.انسان نمی شود مجرد از بدن باشه در دنیا هم با بدن زندگی می کند حتی در برزخ هم با بدنه منتهی بدن مثالی که از جهت صورت مانند این بدنه نه از جهت ماده و اما در محشر با همین بدن عنصری و مادی که در دنیا دارد با همین بدن خواهد آمد منتهی با صُوَری مناسب با اعمالش.ماده همان ماده ای که در دنیا بوده اما در عالم آخرت صورتی مناسب با اعمالش به خود خواهد گرفت.خود پس این تعبیر نشان می دهد خود این بدن راجع به خود عظام صحبت می کند "أَیَحْسَبُ الْاِنْسٰانُ اَلَّنْ نَجْمَعَ عِظامَهُ" خود استخوان­ها. همین استخوانهایی که در دنیا دارید می پوسد همین ها را جمع آوری می کنه.خب معلومه جمع آوری عظام همینه و الا اگر بدن نباشه رو به تنهایی که جمع آوری نمیخواد یا اگر بنا به گفته ی بعضی از فلاسفه که بدنِ اختراعی در عالم آخرت بیاد بدنی که روح اختراع می کند نه این بدن مادی و عنصری باشه باز هم جمع آوری صدق نمی کند "نجمع عظامه" استخوانها را جمع می کنیم.اگر بدن اختراعی در عالم آخرت بیاد که مخترع روح باشه که جمع­آوری نداره که.اون که ساخته میشه اونجا.اونی که جمع­آوری میشود مال همین بدنه "نجمع عظامه" می­گفتند که این استخوانهای پوسیده چه جور زنده میشه؟ قرآن نفرمود که من نگفته بودم این استخوانهای پوسیده گفت همین بله يُحْيِيهَا الَّذِی أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ اشکال در همان استخوان بود این استخوان پوسیده کی زنده میکنه؟ من یُحیی العِظام و هی رمیم قل یُحییها الذی أنشَأَها اول مَرّه خب همون قدرتی که بار اول زنده کرده همون هم زنده میکنه دیگه.پس آیات قرآن نص در اینه که معاد،معاد جسمانیه.روح متعلق به جسم اون هم جسم دنیوی که در همین دنیا زندگی کرده همین استخوانها همین عظام می پوسد و همین ها هم برانگیخته خواهد شد.این ترجمه ی این آیات شریفه.

حالا راجع به موعظه فرموده­اند رسول خدا فرمود "خلق الله تعالی ملکاً تحت العرش" خدا ملکی را آفریده است هر شب جمعه که می شود می­آید که اشرافی بر زمین پیدا می کند خطاباتی داره میگه "یا أَبْنٰاءَ الْعِشْرٖین لٰا تَغُرَّنَّکُمُ الْحَیٰاةُ الدُّنْیٰا"؛

ای 20 ساله ها مراقب باشید زندگی دنیا مغرورتان نکند جوانی شما را مغرور نکند، قوایی دارید با این قوا در بحران غرائز هستید شما را مغرور نکند.شما خیال نکنید که همیشه به همین حال می مانید بعضی خیال می کنند که همیشه جوان می کنند و خیال می کنند پیرها از اول پیر بودند مثلا.اونها همیشه جوان می مانند خیر اون پیرها مثل شما جوان بودند حالا پیر شده اند شما هم به همین کیفیت.پس ای 20 ساله ها شما را دنیا و این قوای جوانی غرائز شما را مغرورتان نکند "یا أبناء الثلاثین اِسمعوا و عُوا" ای 30 ساله ها بشنوید و به خاطر بسپارید با بطالت نگذرانید "یٰا أَبْنٰاءَ الْاَرْبَعیٖن جِدُّوا وَ اجْتَهِدُوا"؛ ای 40 ساله ها یه قدری بیشتر تقلّا کنید بیشتر تلاش کنید ... قوای جوانی رفته دیگه حالا جوان بودید میگفتیم غرائز در وجودش حاکمه و یه قدری جست و خیز داشتید اما حالا سنی گذشته من بلغ اربعین سنه و لم یَتُب اگر کسی به سن 40 برسد توبه نکند شیطان میاد یه دستی به چهره اش می کشد میگه بأبی وجه لا یفلح پدرم قربان این چهره ای که دیگر رستگار نخواهد شد.یعنی اگر هنوزم جوانی میکنه 40 گذشته

چون دوران عمر، از چهل درگذشت مزن دست و پا، کآبت از سر گذشت

اون آدم 40 سالش شده باز هم جوانی میکنه جست و خیز های مانند جوانها می کنه بأبی وجه لا یفلح پدرم قربان چهره ای که رستگار نخواهد شد یا أبناء الاربعین جِدّوا و اِجتهدوا یا أبناء الخمسین لا عُذر لکم ای 50 ساله ها دیگه عذر شما را قبول نمی کنم.دیگه چی میگید؟ دیگپیر شدید موها سفید شد دیگه چین و چروک بر پیشانی افتاد میگه لا عُذر لکم . یا أبناء السِّتّین ماذا قَدَّمتم ای 60 ساله ها چه پیش فرستاده اید؟چه کرده اید شما؟ فلینظر نفسٌ ما قدَّمت لِغَدٍ هر که بنگرد برای فردا چی فرستاده.چمدان ها را فرستاده اید فردا باز می کنند ساک ها را بسته اید فرستاده اید فردا باز می کنند واویلا اگر باز کنند و عفونت بپیچد در اون فضای جان آدم چه خواهد کرد؟ "یا أبناء السِّتّین ماذا قَدَّمتم فی دنیاکم لاخرتکم" "یا ابناء السبعین زرعٌ قد دنا حصادُه" ای 70 ساله ها کشت ها وقت درو اش فرارسیده.آنچه که کشته اید حالا وقت درو رسیده "زرعٌ قد دنا حصادُه".

"یٰا أَبْنٰاءَ الثَّمٰانیٖن فَتَزَوَّدُوا." ای 80 ساله ها در میان شما هم باز فرمان کوچ فرا رسیده حالا زاد و توشه ی خود را بردارید.آخرشم فرمود که اون ملک می گوید "لَوْ لا مَشٰایِخُ رُکَّع و فتْیٰانُ خُشَّع و صِبْیٰانُ رُضَّع وَ بَهٰائِمُ رُتَّع لَصُبَّ عَلَیْکُمُ الْعَذٰاب صَبّا"

اگر به احترام اون پیرهای قد خمیده ای که رو به مسجدها می روند نبود.اگر به احترام اون بچه های شیرخوار و طفلک های بی گناه نبود اگر بخاطر اون چهارپایان بی گناه مشغول چرا هستند نبود عذاب بر شما مثل باران ریزش می کرد.پناه بر خدا که آدم را به آبروی چهارپایان غذا بدهند.یعنی انقدر بی آبرو شده باشه که خودش دیگه آبرو نداره بخاطر اون بچه های کوچک و بخاطر اون پیرمردهای قد خمیده بخاطر اون بهائم و چهار پایانی که مشغول چرا هستند یعنی مراقب باشید این جور که زندگی می کنید این نحوه نافرمانی ها مستحق عذاب و بلا می شود لَصُبَّ علیکم العذابُ صبّا خب ما همیشه اغراق اعتراف داریم به نقص خودمان به کمبودهایی که داریم ولی خب مع الوصف باز هم تکیه ی ما به حمد لله بر حب مولای ما امیرالمومنین علیه­الصَّلوةُ وَ السَّلام است.سرمایه ی اصلی اینه ما چیزی نداریم ولی در عین حال مراقب باشیم این گوهر گرانمایه لکه دار نشود.چون این خیلی گرانمایه است لطیفه.انسان گوهر لطیفی که دارد مراقبه سخت که لکه دار نشود و از همه طرف هم دشمن حمله به همین دارد که این گوهر را لکه دار کند این مخدوش بشود.ما از خود خدا می خواهیم که پروردگارا در این ایامی که ایام منسوب به ولایت مولی المتقین علیه­الصَّلوةُ وَ السَّلام است خدایا به حرمت اون حضرت این سرمایه را در وجود ما سالم و بی لکه نگه بدار.ما این امانت را به تو می سپاریم پروردگارا انَّک خیر مستودع تو امانت دار خوبی هستی دم جان دادن این امانت ما را به ما برگردان و سدیر صیرفی هم گفت خدمت امام صادق ؟ع؟ عرض کردم آقا مومن را می شود دم جان دادن با بی­میلی قبض روحش کنند؟فرمود نه به خدا قسم.وقتی ملک الموت میاد برای قبض انسان مومن اول بی تابی می کند خب مرگ است.مرگ هم ترس آوره.ولی ملک الموت خواهد گفت نه من از پدر بر تو مهربان ترم.غم مخور.چشم خود را باز کن تا اون چهره هایی که یک عمر سنگ محبت اونها را به سینه زده ای اونها را ببینی.چشم خود را باز می کند کنار بسترش مولی المتقین امیر علیه­الصَّلوةُ وَ السَّلام را می بیند میگه من "أَنَا عَلِیُّ ابْنُ اَبٖیطٰالِب الَّذٖی کُنْتَ تُحِبُّه"؛

من علی ابن ابی طالبم که مرا دوستم داشتی یک عمر بر دوستی من زندگی کردی. بعد هم دستور رفق و مدارا می دهد به ملک الموت در اینجاست که فرمود اونچنان که انسان محتضر عاشق مرگ می شود که هیچ محبوبی به پای اون محبوب نمی رسد که می­خواد قبض روح بشود ولذا ندا هم میرسد "يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ، ارْجِعٖی إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، فَادْخُلٖی فِی عِبَادٖی، وَادْخُلٖی جَنَّتٖی". یعنی این نفس مطمئن شد با دیدن مولایش و ولایت مولایش یک عمر داشته اونجا به دادش می رسد و لذا به حارث همدانی هم فرمود مرا می بینی.دم جان دادن می بینی در مسائله ی قبر می بینی در کنار صراط می بینی در کنار جهنم ایستاده ام فرمان به جهنم صادر می کنم هذا ولیی و هذا عدوی این طعمه ی تو هست بگیر این هم مال من است رها کن.اون قلبی که محب امیر المومنین علیه­الصَّلوةُ وَ السَّلام باشد اونجا به فرمان امیرالمومنین جهنم به او نمی تواند لطمه ای بزند ان شاءالله امیدواریم خداوند همه ی ما را در صراط مستقیم محبت مولا ثابت و استوار نگه دارد.پروردگارا همه ی ما را مشمول الطاف و عنایت خاصه ی ولیّ اعظمت امام زمان ارواحنا فداه قرار بده و نسل ما را محب اهل بیت قرار بده، حسن عاقبت به همه ی ما عنایت بفرما.رحم الله من قرء فاتحة مع الصلوات